



بزرگمردی که نوستالژی نداشت
می گفت:
نیاصده ایم که برگردیم
آملده ایم که برویم
و رفت!

www.ketab.ir

سرشناسه	: تابش، نصرت‌الله، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور	: مبانی زیبایی‌شناختی سینمای اسلامی / نصرت‌الله...
مشخصات نشر	: تهران، بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۵ ص. : مصور.
شابک	: ۲۲۵۰۰۰ ریال: ۷-۳۸-۲۷۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیفا
موضوع	: سینما -- زیبایی‌شناسی
موضوع	: زیبایی‌شناسی -- جنبه‌های مذهبی
موضوع	: زیبایی‌شناسی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: سینما -- جنبه‌های مذهبی
موضوع	: سینما -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده	: بنیاد سینمایی فارابی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ م ۲ ت / PN ۱۹۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۷۹۱/۴۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۴۲۹۹۶



انتشارات بنیاد سینمایی فارابی

مبانی زیبایی شناختی سینمای اسلامی

نویسنده: نصرت‌الله تابش

مدیر اجرایی: مریم رهبر

ویراستار: شیدا محمدطاهر

راهنمای نگارش: علی سمیعی مقدم

مستشار فنی: حمید کریمی

مستشار فنی: یوسف بزاز

لیتوگرافی و چاپ: نقره‌آبی، تهران، فاروس

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۷

بها: ۲۱۰۰ ریال

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۳۹-۳۸-۷

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان سی تیر، شماره ۷۵

تلفن: ۶۶۷۲۷۸۵۵

کلیه حقوق متعلق به بنیاد سینمایی فارابی و محفوظ است



مقدمه ۱۵

فصل اول: مکتوب و فرهنگ و سینما

آیا سینما زاینده فرهنگ غرب و لاجرم حسن آن است؟ ۲۲

نیاز، تکنولوژی، سینما، فرهنگ ۲۲

فصل دوم: ذهنیت: کلام

سینمای دینی، کلام مسیحی و آسیب‌شناسی آن ۳۰

آسیب‌شناسی کلام دینی، در میان روشن‌فکران مسلمان ۳۴

آسیب‌های التقاط ۴۱

بی‌توجهی به موازین ۴۷

فصل سوم: ذهنیت: فلسفه

مرور اجمالی چگونگی شکل‌گیری اندیشه شیعی ۵۶

تفاوت‌های عقلانیت دینی و فلسفه ۶۹

نقد فلسفه مسلمین ۷۱

فصل چهارم: ذهنیت: عرفان

۸۴	ابهام در مفاهیم اساسی عرفان
۸۷	عرفان و نهضت ترجمه جدید
۹۳	بودا و سینمای غرب
۹۶	صادیق ایرانی سینما متأثر از عرفان بودایی
۱۰۰	دشمن گرایش به عرفان‌های التقاطی
۱۰۱	عرفان در سینمای مسیحی
۱۰۸	سینما و عرفان مسلمان
۱۱۴	۱. مرده در رنج
۱۱۴	۲. بحرار ما
۱۱۵	۳. تجمل
۱۱۵	۴. وسعت درونی انسان
۱۱۷	زهد
۱۲۲	هدف‌های عرفان مسلمان
۱۲۳	الف) آگاهی
۱۲۴	ب) آزادی
۱۲۶	ج) عشق
۱۲۸	د) قدرت
۱۳۰	وحدت
۱۳۴	مراتب سلوک در عرفان مسلمان
۱۳۷	اهداف عرفان اسلامی
۱۳۷	الف) آگاهی
۱۴۰	ب) آزادی در عرفان اسلامی
۱۴۲	ج) عشق در عرفان اسلامی
۱۴۴	جلوه‌های عشق در عرفان اسلامی
۱۴۵	تعارض عقل و عشق در سینما
۱۴۸	تعارض عقل و عشق در عرفان مسلمان
۱۵۴	رابطه مرید و مرادی در عرفان و سینما

۱۶۲	نقدی بر رابطه مرید و مرادی
۱۶۴	شریعت، طریقت، حقیقت و نقد آن
۱۷۲	فیلم تنش عشق مصداق تقریبی عرفان اسلامی
۱۸۶	عرفان و کریلا
۱۹۲	مفهوم شریعت در خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)
۱۹۴	مصادیق سینمایی شریعت
۱۹۷	مناسبات عرفان اسلامی و صورت‌بندی آن
۲۰۱	منهول بلا در عرفان اسلامی و نسبت آن با سینمای اجتماعی
۲۰۵	مصادیق سینما - توحید در عرفان اسلامی
۲۰۹	توحید
۲۱۴	عشق
۲۲۱	مفهوم عشق
۲۲۲	عوامل عشق
۲۲۶	آثار عشق
۲۳۰	مراتب عشق
۲۳۴	ذکر در عرفان‌های بشری
۲۳۹	۱. مفهوم ذکر
۲۳۹	۲. انواع ذکر
۲۴۰	۳. مصادیق ذکر و نسبت آن‌ها با سینما
۲۴۵	ذکر مطابق، ذکر شدید، ذکر مستمر
۲۴۸	اسم اعظم

فصل پنجم: ذهنیت: قرآن

۲۵۹	داستان محوری در هنر قرآنی
۲۶۷	چگونگی توسعه ظرفیت‌های قصه‌های قرآنی برای سینما
۲۷۳	سنت‌های کلاسیک هالیوودی سینما
۲۷۵	سنت‌های سینمای مستقل اروپا
۲۷۷	مانیفست سینمای قرآنی
۲۸۱	پیروزی حق بر باطل

۲۹۳	داستان‌گویی
۲۹۵	قهرمان محوری
۳۰۰	۱. هم‌ذات‌پنداری مخاطب
۳۰۰	۲. رشد
۳۰۰	۳. کنش
۳۰۱	۴. ایثار
۳۰۱	۵. روبه‌رو شدن با مرگ
۳۰۶	ویژگی‌های قهرمان در داستان‌های قرآنی
۳۱۵	پایان‌بندی در سینما
۳۱۶	پایان‌پایان‌بندی (end)
۳۲۰	پایان‌بندی در سینمای قرآنی
۳۲۴	ساختار
۳۲۹	ساختار در قصه‌های قرآنی

فصل ششم: ذهنیت: اخلاق

۳۴۸	نقش اخلاق در خلق زیبایی
-----	-------------------------

فصل هفتم: سینمای کودک و نوجوان، سفرنامه بلوغ

۳۶۶	شخصیت کودک قهرمان
۳۶۸	ویژگی‌های ژانری سینمای کودک و نوجوان
۳۶۹	نسبت‌های دین و ژانر کودک و نوجوان

فصل هشتم: مفاهیم و مصادیق

۳۷۶	مفهوم زیبایی در متون مقدس اسلامی چگونه تبیین می‌شود؟
۳۷۸	عدالت و طنز تلخ گانگستر آمریکایی و صورت‌بندی مفهوم زیبایی
۳۸۰	زیبایی هستی، زندگی، هنر
۳۸۳	معادل قرآنی واژه هنرمند چیست؟ و ویژگی‌های هنرمند مسلمان چیست؟
۳۸۴	محسن و کوزه برگمان
۳۸۷	نگاه محسن

۳۸۹	تاریخ ناتمام عشق محسن
۳۹۱	چگونه می‌توان در سینما ارجاعات قرآنی داشت
۳۹۴	مهدویت و سینما
۳۹۴	مهدویت و هنر
۳۹۴	جریان هنر در هنرمند
۳۹۹	جهانی‌ترین روایت شیعی
۳۹۹	ناتمام (س)
۴۰۰	مولد جی (عج)
	نقد عطف، لحظه وقوف، غافل‌گیری و تحول شخصیت در سینمای دینی
۴۰۲	چگونه می‌توان...
۴۰۲	لحظه وقوف
۴۰۵	تلاوت آیات در انجیل ماجرایی
۴۰۷	غافل‌گیری، نه فقط یک حادثه، در معنا
۴۱۰	تصویر زن مسلمان در سینمای ایران چگونه است؟
۴۱۰	فرشته‌هایی در خانه‌های ایرانی
۴۱۴	ترازوی
۴۱۷	لوکیشن
۴۲۱	تدوین دینی فیلم
۴۲۱	تدوین شین
۴۲۵	مفاهیم دینی و مصادیق سینمایی آن
۴۲۵	مصادیق
۴۲۸	دغدغه‌های دینی چگونه نمایشی می‌شوند
۴۲۸	دغدغه
۴۳۲	مصادیق سینمای دینی
۴۳۲	عملیات از موضع آسمان
۴۳۵	مصادیق
۴۳۵	وجوه دراماتیک صفت نعل
۴۳۹	نقد نقد به بهانه فیلم دعوت
۴۳۹	دعوت، حکایت کولیس و کیلومتر

۴۴۵. _____ دین، مدیریت، خلاقیت، هنر

۴۴۵. _____ مدیریت دینی

۴۴۸. _____ خلاقیت

۴۴۹. _____ جریان هنر در هنرمند

۴۵۱. _____ منابع

www.ketab.ir



سینما را صاحب چهار وجه هنر، صنعت رسانه و تجارت دانسته‌اند. سینما از آن جهت که به خلق زیبایی می‌رساند، هنر نامیده می‌شود و از آن جهت که حامل پیام و انتقال آن به مخاطب است، رسانه‌ای تأثیرگذار است. با توجه به این که بیش از هشتاد تخصص تعریف شده است، در کنار یکدیگر مثل یک خط تولید عمل می‌کنند و به انبوه‌سازی آثار سینمایی می‌پردازند، وجه صنعتی دارد (البته عمدتاً در سینمای هالیوود) و بالاخره با توجه به گردش سرمایه عظیم و تولید محصولات جانبی از قبیل عروسک، لباس یا آلبوم سینمایی و ویدیوهای خانگی و استفاده از آن برای تبلیغ غیرمستقیم کالاها، جریان تجارت پر قدرت هم هست.

آنچه در این اثر در نسبت بین هنر و به‌ویژه سینما و معارف اسلامی پی‌گیری شده است، وجوه زیبایی‌شناختی سینما و اسلام است، زیرا نگارنده معتقد است فصل مشترک بین اسلام و هنر و از جمله سینما موضوع زیبایی است. با توجه به این که هنر بدون خلق زیبایی هنر نیست، در این مقدمه به دلایل توجه دین مبین

اسلام به مفهوم زیبایی می‌پردازیم. البته تحلیل و تفسیر بیشتر موضوع زیبایی از منظر آموزه‌های اسلامی در فصول مختلف این کتاب مطرح شده است.

۱. در روایتی از حضرت امام رضا (ع) آن‌هم در مورد مهم‌ترین وجه اعتقادی تشیع یعنی مفهوم ولایت معصومین (صلوات‌الله علیهم اجمعین) و جای این امر آمده است: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمَرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي رُكُوكًا؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهُمَا النَّاسَ. فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تُؤْمِنُونَا» (خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را احیا کند. پرسیدم (راوی) امر شما - خوب احیا می‌شود؟ فرمودند: علوم ما را بیاموزد و به مردم تعلیم دهد. اگر مردم تسلط بر کلام ما را دریابند، حتماً از ما پیروی خواهند کرد.) همان‌گونه که در این روایت فهمیده می‌شود، موضوع زیبایی و درک آن حلقه رابط بین معرفت و عمل است. اگر خوانندگان گرامی در جریان مباحثی که سال‌هاست در کشور ما تحت عنوان کلام جدید مطرح می‌شود قرار گرفته باشند، مشاهده کرده‌اند که با سخن‌اندن پرسش‌های پیرامون رابطه عمل و معرفت به تولید سه نظریه مهم منجر شده است. به این موضوع در متن کتاب پرداخته‌ایم. اما همین مقدار برای بیان دیدگاه شیعی در این زمینه کافی است، زیرا بر اساس روایت مذکور معرفتی به علم و معرفت منجر می‌شود که با زیبایی پیوند داشته باشد. به‌طور کلی بدون درک مفهوم زیبایی بخش عظیمی از کلام دینی قابل توضیح و تفسیر نخواهد بود. سخن روانی حضرت امام رضا (ع) گره‌گشای حیرتی است که در کلام دینی معاصر زیبایی را گرفتار خویش کرده است.

۲. در روایت دیگری درباره گفت‌وگوی حضرت خضر (ع) و حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) آمده است: روزی حضرت خضر (ع) به محضر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) آمدند. حضرت علی (ع) از ایشان خواستند تا سخن حکیمانه‌ای بگویند. حضرت خضر (ع) گفتند: «مَا أَحْسَنَ

تَوَاضَعُ الْاَغْنِيَاءُ لِلْفُقَرَاءِ قُرْبَةً اِلَى اللّٰهِ» (چقدر زیباست فروتنی ثروتمندان در مقابل فقیران به خاطر رسیدن به قرب الهی!) اما حضرت امیرالمؤمنین در مقابل می فرمایند: «وَ اَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ تَبَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْاَغْنِيَاءِ ثِقَةً بِاللّٰهِ» (و از آن زیباتر بی اعتنایی فقیران به ثروتمندان است به خاطر اعتماد به خداوند!) و خضر (ع) شگفت زده می گویند: «سزاوار است این سخن با طلا نوشته شود!»

۳. پس از تمام فاجعه کربلا و ورود اسیران مقدس به بارگاه تیره و تار از سیم ابن زیاد گفت و گویی نقل می شود که بسیار شگفت انگیز است. از جزئیات آن می گویم. ابن زیاد (لَعَنَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ) در این مجلس با زبان سرزنش و طعنه می گوید که ای دانا خداوند چه بر سر خاندان شما آورد؟! حضرت زینب (سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهِ) در پاسخ سخن عجیبی گفته اند که طنین آن تا برپایی قیامت در گوش دل حقیقت نشان قرار خواهد شد. ایشان فرمودند: «مَا رَأَيْتُ الاَّ جَمِيلاً» (چیزی جز زیبایی ندیدم!) جلیلی زیبایی شناختی ما جرای کربلا قطعاً منجر به کشف معارف عظیمی خواهد بود که به بخشی از آن در متن کتاب توجه شده است.

۴. پرداختن به مستندات مفهوم زیبایی در متون مقدس اسلام منحصر به این روایات نیست، بلکه تعداد قابل توجهی از آیات معروفات هستند که از منظر زیبایی شناختی و توجه به مفهوم زیبایی قابل ارائه و تبیین تفسیرند. بنابراین وقتی که عمیق ترین معارف دینی و عظیم ترین ماجرای الهی در دستِ اتفاقی افتاده است، این گونه با مفهوم زیبایی گره می خورد، به گونه ای که بدون فهم آن نمی توان به فهم دقیق و درستی از معارف اسلامی دست یافت. می توان با اطمینان گفت که فصل مشترک دین و هنر، مفهوم زیبایی است.

۵. از سوی دیگر می توان گفت که آثار هنری به خلق موقعیت هایی می پردازند که به برانگیختگی عواطف و احساسات مخاطب منجر می شود. هر

چند در آثار سینمایی سعی می‌شود که این لحظات عاطفی متناسب با جهان سینمایی خلق شده کنترل شده و متعادل باشد. به عبارت دیگر اگر اثر هنری تأثیر عاطفی منبعث از درک زیبایی را نتواند ایجاد کند، از حیطه هنر خارج می‌شود. همین‌طور در مراقب سلوک دینی و نظام اخلاقی اسلام هیچ مرتبه‌ای وجود ندارد که با حدی از حیطه عاطفی انسان رابطه نداشته باشد. بنابراین بین شیوه‌ها و روش‌های تربیتی اسلام که بر تربیت عاطفی و حس زیبایی‌شناختی پیروانش تأکید دارد، با زبان هنر، از آن جهت که به موقعیت‌های عاطفی می‌پردازد، نسبت ویژه‌ای برقرار می‌شود. هر چند آموزش‌های رسمی ما متأسفانه از توجیه به بعد زیبایی‌شناسی انسان‌ها غفلت ورزیده است.

۶. یکی از ویژگی‌های قرآن مجید ارائه مفاهیم مقدس از طریق قصه و داستان و تمثیل‌هاست. سبک ویژه قرآن در بیان داستان‌هایش در فصل پنجم این کتاب بررسی شده است. توجه به قرآن مجید به قصه‌ها و تمثیل‌ها و اهمیت استفاده از زبان هنر توسط این شیوه‌ها و یادآوری می‌کند. حتی می‌توان گفت که وجه تمثیلی و هنری قرآن را به استدلالی آن غلبه دارد.

۷. با توجه به این که هنر سینما را دارای تمثیل و اغلب هنرها از داستان، نمایشنامه، موسیقی، شعر، نقاشی، عکاسی و... دانسته‌اند، به همین نسبت‌های گوناگون آن با معارف اسلامی می‌تواند به پرسش‌های بسیاری پاسخ دهد. زیرا ضرورت پاسخ‌گویی دینی به پدیده‌های فرهنگی - هنری معاصر غیرقابل انکار است.

۸. بسیاری از مردم و به‌ویژه جوانان در سراسر دنیا هم‌اکنون بخاطر نظم نیازهای خود - علاوه بر لذتی که از سرگرمی‌ها می‌برند - یعنی نیازهای معرفت‌شناختی، اخلاقی، سیاسی و... حتی دینی را از طریق آثار سینمایی به دست می‌آورند. به همین دلیل ممکن است خود را از مراجعه به علمای دینی و متون مقدس بی‌نیاز احساس کنند.

موارد هشت‌گانه فوق و برخی موارد دیگر دلایلی هستند که ضرورت بررسی نسبت سینما و دین را یادآوری می‌کنند. مقالات این کتاب ابتدا به صورت سرمقاله‌های سلسله‌واری از اوایل دهه هشتاد در مجله فیلم‌نگار منتشر شده است و هم‌اکنون با تنظیم و ویرایش جدید به صورت یک مجموعه و کتاب در اختیار شماست. فصل اول کتاب به نسبت بین هنر و دین و فرهنگ می‌پردازد تا به این پرسش پاسخ دهد که با توجه به نگاه تکنوقرژیک سینما که دنیای غرب است، آیا سینما نیز لزوماً غربی و حاصل فرهنگ غرب است. یا می‌تواند به استخدام اندیشه‌های دیگر از جمله معارف اسلامی درآید؟ فصول بعدی کتاب که شامل کلام جدید، فلسفه، عرفان، اخلاق است، درواقع با این دیدگاه آماده شده است که ذهنیت‌های کنونی را که هنرمند بر اساس آن به خلق اثر هنری می‌پردازد، بررسی کند. چرا که ذهنیت و زاویه دید به همراه حق و عدل و لطافت عناصر شکل‌دهنده آثار هنری و از جمله سینمایی هستند. این مفاهیم به طور جدی و تفصیلی در متن کتاب مورد بررسی و تحلیل واقع شده‌اند.

پس از این فصول، فصل‌های هشتم و نهم کتاب به مفاهیم اساسی هنر و زیبایی از دیدگاه اسلام و مصادیق سینمایی آن می‌پردازد. البته در فصول قبل از آن نیز به تناسب موضوعات مطرح شده مفاهیم اساسی هنر در سینما و در دین اسلام مورد توجه و بررسی واقع شده‌اند. مرشد به نظر می‌رسد که بحث ذهنیت و زاویه دید هنرمند باید بر فصول قبل از متن می‌شد، اما به نظر رسید که اگر محتوای ذهنیت‌ها و زاویه دیدهای گوناگونی که هنرمندان به آن‌ها معتقدند ابتدا مطرح شود، آن‌گاه بهتر می‌توان عناصر شکل‌دهنده اساسی‌ترین مفهوم هنر یعنی زیبایی را از منظر اسلام صورت‌بندی کرد. بنابراین فصول دوازدهم تا ششم به کلام و فلسفه و عرفان و قرآن و اخلاق اختصاص یافت.

نگارنده تصور می‌کند که به فضل الهی توانسته است دریچه‌ای برای پاسخ‌گویی به اساسی‌ترین پرسش‌های هنر را در رابطه با هنر سینما بگشاید.

هر چند گام‌های نرفته بسیاری هنوز رهروان را می‌طلبند. بدون برداشتن چنین گام‌هایی تحلیل و تفسیر و نقد هنر به‌ویژه در سینما ممکن نخواهد بود. به عبارت دیگر بدون تدوین یک نظریه جامع درباره پرسش‌های اساسی هنر بر اساس معارف اسلامی و شیعی نمی‌توان به برنامه‌ریزی، تربیت نیروی انسانی و تولید آثار هنری و سینمایی و نقد آن‌ها در یک نظام دینی پرداخت. خداوند متعال استواری گام‌های همه هنرمندان و نظریه‌پردازانی را که مدخل‌های مقدس درونشان شعله می‌کشد، خواستارم.

نصرت‌الله تابش

زمستان ۱۳۹۲